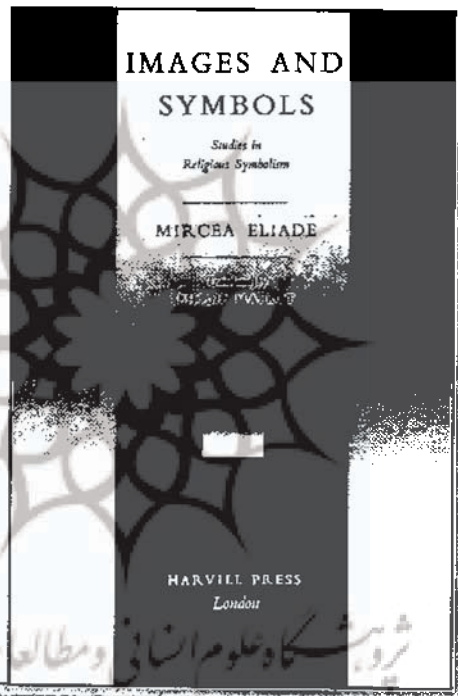


تصویرها و نمادها

○ تصویرها و نمادها (مطالعاتی در نمادهای مذهبی)
○ میرچا الیاده

○ ترجمه: حسین ابراهیمیان



الیاده از دین پژوهان و اسطوره شناسانی است که اکثر علاقه‌مندان به ادیان و اساطیر ملل با آراء و اندیشه‌های او آشنایی دارند. از این نویسنده پر کار، کتبی چند به فارسی ترجمه گردیده است؛ کتاب‌هایی که مزیت اصلی آنها آرایه اطلاعات و داده‌های فراوان به خواننده است، به گونه‌ای که هر اهل ذوقی می‌تواند با مراجعه به این کتاب‌ها و بدون در نظر گرفتن عقاید شخصی نویسنده، به نتیجه دلخواه دست یابد.

متن اصلی کتاب در سال ۱۹۵۲ و به زبان فرانسه به رشته تحریر در آمده و سپس در سال ۱۹۶۱ به انگلیسی ترجمه شده است. متن انگلیسی کتاب دارای یک مقدمه و ۵ فصل می‌باشد که در ۱۷۸ صفحه به چاپ رسیده است.

مقدمه کتاب، به اهمیت نماد و اسطوره در زندگی بشر امروزی، تغییر شکل اسطوره‌ها و دوام اسطوره‌ها و تصویرها می‌پردازد و نویسنده سعی کرده نشان دهد، اسطوره‌ها، نمادها و تصویرها، اگرچه ممکن است تغییر

فلسفه زمان در تفکر بودایی و موارد دیگر را تشریح می‌کند.

فصل سوم با عنوان «خدایی که می‌بندد» و «نمادگرایی گره‌ها» آغاز می‌شود و در آن اساطیر هند و ایرانی، ژرمنی و... مربوط به موضوع فوق، جادوی گره‌ها، جادوگری و دین و نمادگرایی و تاریخ مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم نمادگرایی صدف‌ها (لاک)، ماه و آب، باروری، کاردردهای آیینی صدف‌ها، نقشی که صدف‌ها در عقاید مربوط به خاک سپاری دارند، نقش مروارید در جادوگری پزشکی و اسطوره مروارید، تشریح شده است.

در فصل آخر نیز نمادگرایی و تاریخ، غسل تعمید، صورمثالی، نمادگرایی مسیحی و جلوه‌ها و فرهنگ‌های مربوط به آن بحث شده است.

میرچا الیاده بر این باور است که اسطوره‌ها از میان نرفته‌اند، بلکه در پشت آرایه‌های تمدن و فرهنگ

قیافه دهند و یا به ظاهر از چشم‌ها پنهان شوند ولی هیچ گاه کاملاً از بین نمی‌روند.

فصل اول کتاب به «نمادگرایی مرکز» اختصاص یافته است و در آن در مورد اعتقادات انسان‌های اعصار گذشته و فعلی در خصوص مرکزیت داشتن نقطه‌ای از زمین بحث شده است.

فصل دوم به زمان و ابدیت در اساطیر هندی می‌پردازد و کارکرد اساطیر، اسطوره‌های مربوط به زمان، یوگا، زمان کیهانی و تاریخ، ترسی از زمان،

جدید نیز می‌توان آنها را بازیافت. برای دستیابی به این مقصود مبحث «بقای تصویر» را مطرح می‌کند و آن را در خلجان‌های روح بشر و تظاهرات فکری و معنوی زندگی وی سراغ می‌یابد. به نظر الیاده «تمام آن قسمت ضروری و وصف‌ناپذیر انسان که تصور نامیده می‌شود در محدوده نمادگرایی جای دارد و هنوز وجودش به اسطوره‌های کهن و ادیان پارینه وابسته است.» الیاده معتقد است که اسطوره‌شناس می‌باید از تمامی رهیافت‌های معرفتی و انسان‌شناختی در کشف و فهم اسطوره استفاده کند. در اینجا بخشی از کتاب وی را درباره مبحث «بقای تصویر» می‌آوریم:

بقای تصویر

اما به منظور اثبات بقای ناخودآگاه یک اسطوره - که همیشه حضور دارد و به نظر ما از یک اقتدار روحانی برتر نسبت به وجود خودآگاهی برخوردار است - در انسان جدید، لازم نیست به کشفیات روانکاوی یا نوشته‌های اتوماتیک‌وار متعلق به سورئالیست‌ها متوسل شویم ما برای تصدیق واقعیت و قدرت تصویر و نمادها احتیاجی به اعتماد بر شاعران یا روان‌پزشکی نداریم. معمولی‌ترین وجود با تصویر سروکار دارد و واقع بینانه‌ترین انسان نیز با آنها زندگی می‌کند. بگذارید تکرار کنیم - و آنچه که بعداً خواهد آمد نیز کاملاً به توصیف آن خواهد پرداخت - که نمادها هرگز از ضمیر روح محو نمی‌شوند. ممکن است نمود و ظاهرشان عوض شود ولی عملکردشان بدون تغییر باقی می‌ماند شخص فقط از پشت آخرین نقابشان به آنها نگاه می‌کند.

حتی فرومایه‌ترین دلتنگی نیز مبین دلتنگی برای بهشت می‌باشد. تصویر مبتنی بر بهشت، اقیانوسی که ذکر آن رفت، در داستان‌ها و فیلم‌های ما نیز حضور کرده‌اند (چه کسی بود که سینما را کارخانه رویاها می‌دانست؟) ما همچنین باید تصاویری را که به طور ناگهانی به کمک یک موسیقی و یا بعضی اوقات آوازهای کاملاً احساسی ظهور می‌یابند تجزیه و تحلیل نماییم؛ و ما باید دریابیم که این تصاویر، دلتنگی برای یک گذشته اسطوره‌ای را شرح می‌دهند که به صورت یک نمونه اولیه تغییر شکل داده است و اینکه این گذشته تنها به معنی افسوس برای یک زمان از دست رفته نیست بلکه برعکس معانی متعدد دیگری

بر بهشت گمشده، ناگهان به کمک آهنگ یا آکوردئون زنده می‌شود؟ - و این موضوعی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. این موضوع فراموش شده بود که زندگی انسان جدید پر از اسطوره‌های نیمه فراموش شده، تاویلات روحانی تنزل یافته و نمادهای غیر روحانی می‌باشد. تقدس زدایی پیشرفته انسان جدید محتوای زندگی روحانی‌اش را بدون شکست زهردان تصورش تغییر داده است؛ اما مقداری مواد اسطوره‌ای هنوز در بخش‌هایی از ذهن که خارج از کنترل هستند باقی مانده است.

علاوه بر این اصیل‌ترین قسمت آگاهی یک انسان جدید نسبت به قسمتی که معمولاً متمایل به تفکر است از روحانیت کم‌تری برخوردار می‌باشد. یک تجزیه و تحلیل خلاصه آشکار می‌کند که این قسمت اصیل یا متعالی‌تر آگاهی شامل مقدار کمی خاطرات کتابی مقداری پیش داوری‌های مختلف (مذهبی، اخلاقی، اجتماعی، زیبایی‌شناسی و غیره). مقداری عقاید حاضر و آماده در مورد معنی زندگی، حقیقت نهایی و غیره می‌باشد. اما متوجه است که دیدش را وسیع‌تر کند و از خود بپرسد که اسطوره بهشت گمشده یا تصور انسان کامل، رمز و راز زن و عشق و غیره چگونه شکل می‌گیرند. همه اینها (هر چند به صورت تنزل یافته، تغییر شکل داده و مصنوعی) در میان چیزهای دیگر در جریان نیمه آگاهی، وجود حقیقی پیدا می‌شوند - در رویاهای بیداری‌اش، تشنجات مالیخولیایی‌اش، در نقش آزادانه تصاویر به هنگام خاموش شدن آگاهی (در خیابان، قطار زیر زمینی یا هر جای دیگر) و در تمام بازی‌ها؛ در اینجا مجموعه اسطوره‌ها به صورت غیر روحانی شده و با چهره جدید پنهان هستند. آنچه در مورد تصاویر اتفاق افتاده - چنان‌که فریود به ما نشان داده است - همان چیزی است که در مورد جنبه‌های غیر متعارف حقایق جنسی نیز اتفاق افتاده است. به این معنی که آنها نیز صورت خود را تغییر داده‌اند. به طور کل در مورد تصاویر باید گفت که آنها به منظور بقا، صورت‌های جدید و مانوسی به خود می‌گیرند.

این تصاویر تنزل یافته تنها نقطه احتمالی عزیمت برای احیاء روحانی انسان جدید را برای ما آشکار می‌سازد. به نظر ما آن، برای بازیافت یک اسطوره -

را نیز در بر می‌گیرد؛ آن به توصیف تمام آن چیزهایی می‌پردازد که باید باشد ولی نیست؛ اندوهناکی تمام هستی که فقط با توقف به چیز دیگری بدل می‌شود؛ و افسوس از اینکه شخص نمی‌تواند در کشور یا در روزگارانی که توسط آواز بیان می‌شود زندگی کند (حال این می‌تواند رنگ نقطه‌ای یا تاریخی به خود بگیرد چون - Russia of the balalaika، شرق باشکوه، هایتی فیلم‌ها، زندگی میلیونر آمریکایی، شاهزاده عجیب و غریب و غیره) - به طور خلاصه اشتیاقی به چیزی که با وضعیت موجود فرق دارد؛ چیزی که در حقیقت دست نیافتنی یا گمشده و به دست نیامدنی می‌باشد و این را می‌توان خود بهشت دانست.

چیزی که در مورد تصویر مبتنی بر دلتنگی برای بهشت دارای اهمیت می‌باشد این است که آنها همیشه از آن چیزی که شخص تجربه‌کننده با کلمات به بیان آن می‌پردازد بالاترند و حقایق بیشتری را بیان می‌نمایند. علاوه بر این بیشتر انسان‌ها قادر به توضیح آنها نیستند و این بدلیل کم هوشی آنها نسبت به دیگران نیست بلکه به این دلیل است که آنها برای زبان روانکاوانه ما اهمیت زیادی قائل نمی‌باشند. اما چنین تصاویری دقیقاً بیشتر از زبان روانکاوانه انسانها را به هم نزدیک می‌سازد در حقیقت اگر یک انسجام نهایی وجود داشته باشد که به کل نژادشناسی مربوط باشد فقط در سطح تصاویر قابل احساس و فعالیت می‌باشد. (ما نمی‌توانیم از ناخودآگاه صحبت کنیم چون ما دلیلی نداریم که در اینجا نوعی آگاهی نیز وجود نداشته باشد.)

انسان به چنان دلتنگی‌هایی توجه اندکی مبذول داشته است؛ آنها سعی نکرده‌اند به این موارد به عنوان چیزی با ارزش‌تر از نتایج فرعی و بی‌اهمیت روانی نگاه کنند؛ یا عمدتاً موافقت کرده‌اند که آنها می‌توانند مورد توجه و استفاده آن دسته از بررسی‌ها باشند که در مورد صورت‌های گریز روانی انجام می‌گیرند. اما بعضی اوقات دلتنگی‌هایی دارای معانی هستند که با موقعیت حقیقی انسان ارتباط می‌یابند؛ و این باعث می‌شود که فلاسفه و متکلمان به آنها توجه نمایند؛ این همه آنها به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ آنها پوچ و بی‌معنی تصور می‌شوند، آیا تصویر مبتنی

پرنیان هفت رنگ جستاری پیرامون عدد هفت در هنر و فرهنگ

- نسرین طباطبایی اردکانی
- دانشکده هنرهای کاربردی، کارشناسی ارشد
- ۶ جلد، ۱۷۵۳ ص، تصویر، جدول
- ج ۱: در این مبحث با مراجعه به فرهنگ‌هایی نظیر لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین... به جمع‌آوری و شرح توضیح لغات، اصطلاحات، تغییرات، کنایات و... که در زبان فارسی با عدد هفت ترکیب یافته‌اند، پرداخته شده و در ذیل هر یک از آنها اشعار شاعرانی چون، حافظ، نظامی، عطار و مولانا که در ادبیات خود ترکیبات عددی هفت را به کار گرفته‌اند آرایه شده است.
- ج ۲: در این مبحث تجلی و نفوذ عدد هفت در آیین‌های برهمنی زرتشتی، یهود، مهرپرستی، مسیحی، مزدکیه، در آیین اسلام صابئه، اصحاب هیاکل، در فرق اسلامی و ابراهیمیه و... مورد مطالعه قرار گرفته است.
- ج ۳: در این مبحث با آرایه‌هایی که در قرآن مجید به گونه‌ای با عدد هفت پیوند یافته‌اند می‌پردازد. همچنین با بیان الفاظی که در کتاب الهی، هفت بار تکرار شده‌اند و نیز آرایه‌ها و الفاظ خداوندی که دارای وجوه هفت‌گانه هستند، اهمیت عدد هفت را در قرآن مجید مشخص می‌کند.
- ج ۴: در این مبحث اصطلاحاتی اعم از اصطلاحات عرفان عملی، عرفان نظری و تعبیرات ذوقی و اشراقی که به گونه‌ای با عدد هفت ترکیب یافته‌اند گردآوری شده است. همچنین از اهل حق که توجه خاصی به عدد هفت داشته‌اند سخن به میان آمده است.
- ج ۵: در این مبحث، عدد هفت در جشن‌ها، مراسم و آداب آن در اعتقادات و رسوم و باورهای مردم، ادعیه و... بحث شده است.
- ج ۶: در این جلد، نفوذ و تجلی عدد هفت در اساطیر بین‌النهرین، هیتی، مصر، ایران، یونان، هند و چین مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

که از عدم تعادل کامل روان (اعم از شخصی و اجتماعی) ناشی می‌شوند عمدتاً به خاطر نبود تصور به وجود می‌آیند. داشتن تصور به معنی بهره‌مندی از یک زندگی غنی درونی و جریان دائمی و بی‌اختیار تصاویر می‌باشد. اما جریان بی‌اختیار تصاویر نمی‌تواند به معنی اختراع مطلق باشد. از نظر ریشه‌شناسی تصور هم با Imago - یک نمایش یا پیروی - وهم با Imitor - پیروی کردن یا تولید دوباره مربوط است. و استثنائاً این مرتبه ریشه‌شناسی با واقعیت‌های تاریخی و همچنین با حقیقت روحانی همگن می‌باشد. تصور از گونه‌های مثالی - تصاویر - تقلید می‌کند و آنها را به طور مستمر دوباره تولید و تکرار نموده و به آنها واقعیت دوباره می‌بخشد. برخورداری از تصور به معنای توانایی دیدن جهان به صورت کلی می‌باشد زیرا قدرت و پیام تصاویر، نمایش همه آن چیزهایی است که مختص مفهوم می‌باشد. و شکست و ناتوانی انسان بدون تصور از این جهت می‌باشد؛ او از مهمترین حقیقت زندگی و از روحش جدا مانده است.

ما در پی فراخوانی این اصول بر آنیم که نشان دهیم مطالعه نمادگرایی کار یک بررسی ساده نیست بلکه چیزی است که حداقل به طور غیر مستقیم با شناخت خود انسان در ارتباط می‌باشد. به طور خلاصه آن برای کسی که از انسان‌گرایی یا انسان‌شناسی جدید حرف می‌زند، چیزی برای گفتن دارد. بدون شک مطالعه نمادها فقط هنگامی حقیقتاً مورد استفاده خواهد بود که با همکاری انجام گیرد. زیبایی‌شناسی ادبی، روانکاوی و انسان‌شناسی فلسفی باید به یافته‌های تاریخ ادیان، نژادشناسی و فولکلور اهمیت دهند. ما پیش از هر چیز به همراه روانکاوان و نقادان ادبی ذهن به تالیف این کتاب پرداختیم. اما مورخ ادیان برای بالا بردن شناخت و درک انسان از نمادها، نسبت به دیگران از جایگاه بهتری برخوردار است و مدارکی که در دست او قرار دارد جامع‌تر و منطقی‌تر از مدارک روان‌شناسان و نقادان ادبی می‌باشد؛ آن‌ها از سرچشمه‌های تفکر نمادین برگرفته شده‌اند. سرانجام اینکه در تاریخ ادیان ما با نمونه‌هایی برخورد می‌کنیم که روانکاوان و نقادان ادبی فقط با گونه‌های تقریبی آنها در ارتباط هستند.

اگر نگوییم الهیات - که در زندگی معمولی و روزانه انسان معاصر پنهان است از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد؛ آن باید متکی به خود باشد تا او بتواند راهش را به سوی منشاء باز نماید و معانی عمیق تمام این تصاویر کمرنگ شده و اسطوره‌های زیان دیده را آشکار سازد. اما نباید لب به اعتراض گشود و گفت که این بقایا برای انسان جدید هیچ اهمیتی ندارند و به گذشته‌ای موهوم مربوطند که در قرن نوزده تصفیه شده‌اند... یا اینکه بگوییم آن در مورد شاعران، بچه‌ها و مردمی صادق است که می‌خواهند خود را با تصاویر دل‌تنگی‌ها راضی نگهدارند و بهتر است اجازه دهیم مردم جدی به دنبال تفکر بروند و تاریخ را بسازند! جداسازی مسایل جدی زندگی از رویاها نمی‌تواند با واقعیت مطابق باشد. انسان آزاد است نسبت به اسطوره‌ها و ادیان بی‌تفاوت باشد، اما این موضوع نمی‌تواند مانع از ارتباط و دمخوری او با اسطوره‌های خراب شده و تنزل یافته گردد. بدترین حادثه تاریخی جهان جدید - که شامل جنگ جهانی دوم و تمام حوادث ناشی از آن می‌شود - کاملاً ثابت نمود که قلع و قمع اسطوره‌ها و نمادها وهم و خیال می‌باشد. حتی در یاس‌آمیزترین موقعیت‌های تاریخی (مثلاً در بین لشکرهای روس و آلمانی درگیر جنگ در استالین‌گراد) مردان و زنان شعر و سرود می‌خواندند و به داستان‌ها گوش می‌کردند و حتی قسمتی از جیره اندک خود را نیز به این منظور تقدیم می‌نمودند؛ و این داستان‌ها نمایانگر اسطوره‌ها و شعرهای مملو از دل‌تنگی‌ها هستند. تمام آن قسمت ضروری و وصف‌ناپذیر انسان که تصور نامیده شده است در محدوده نمادگرایی جای دارد و هنوز وجودش بر اسطوره‌های کهن و ادیان وابسته است.

هم چنان که گفتیم این وظیفه انسان جدید است که تصاویر گوناگون مکنون در خویش را دوباره بیدار نماید؛ و برای بیدار کردن تصاویر باید آنها را به همان شکل اولیه مطالعه کرد و پیامشان را درک نمود. خرد عمومی بیشتر اوقات برای سلامتی شخص و تعادل و کمال زندگی‌اش بر اهمیت تصور صحنه می‌گذارد. در بعضی از زبان‌های جدید، انسان فاقد تصور به عنوان یک شخص محدود، درجه دو و غمگین توصیف شده است روانکاوان (که یونگ در میان آنها مقام اول را دارا است) به ما نشان داده‌اند که درام‌های جهان جدید